

The desire to participate in the highway of trust (Sociological analysis of the effect of political trust factors and political self-confidence on the degree of tendency to political participation of students of Islamic Azad University of Zanjan)

Akbar Eslami, Doctoral student of Sociology Political, Department of Social Sciences, Faculty of Social sciences, Communication and Media University of Tehran Markazi Branch, Tehran, Iran.

Email: akbareslmi110@yahoo.com

Asghar Mohajeri, Professor of Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Social sciences, Communication and Media University of Tehran Markazi Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Email: asgharmohajeri@yahoo.com

Mahbobe Babaei, Professor of Sociology, Faculty of Human, Science, Islamic Azad University Branch Zanjan, Zanjan, Iran. Email: mbabaei1013@yahoo.com

Abstract

The present research to answer the questions; why and how the rate of increase / tendency of students political participation in the affirmative paradigm and in the field of insight of political sociology, with a quantitative approach and a survey method in the statistical population of Islamic Azad University students with a sample size of 380 people / students, has been done and organized. The sampling method was proportional sampling (women and men), quotas (universities) and clusters (universities and educational groups), which data was collected with researcher's questionnaire tool in the form of 50 items and self- completed questionnaires. The reliability and validity of the collection tool and data have been done and calculated in an expert manner and with the Alpha Cronbach test (88%). Research findings show that; the average age of the students is 24 years, 52% of them are male, 91% of them are single, 89% of them are studying in associate and bachelor degrees and 37% of them are studying in humanities. The average level of desire for political participation of students is 1/6, their level of confidence (political confidence and self- confidence) is 1/4 their level of sociability is 1/8 and their sense of security is 2 out of 5. According to the results of the statistical test (correlation, T and F, regression analysis and analysis of path coefficients), there is a significant relationship between the explanatory variables (levels of political socialization, sense of security and trust) with the explained variable, and the independent variable, and the independent variables directly/ indirectly determine 82 the percentage of variance the level of political participation of students. therefore in order to pass theoretical propositions and political findings regarding to the students political participation to public policy-making in the mentioned field, strategic policies that is based on the findings of this present article should be compiled and applied.

Keywords

Political Participation, Political Socialization, Sense of Political Effectiveness, Political Trust and Sense of Social Security.



میل به مشارکت در شاهراه اعتماد

(تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر عوامل اعتماد سیاسی و اعتماد به نفس سیاسی بر میزان گرایش به مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی زنجان)

اکبر اسلامی^۱، اصغر مهاجری^۲، محبوبه بابایی^۳

چکیده

پژوهش حاضر برای پاسخ به پرسش‌های: چستی؟ چگونگی؟ و چرایی؟ میزان تمایل/گرایش دانشجویان به مشارکت سیاسی در پارادایم اثباتی و در حوزه بینشی جامعه‌شناسی سیاسی، با رویکرد کمی و به روشی پیمایشی در جامعه آماری دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی با حجم نمونه ۳۸۰ نفر/ دانشجو، به سامان رسیده است. شیوه نمونه‌گیری تصادفی نسبتی (زنان و مردان)، سهمیه‌ای (دانشکده‌ها) و خوشه‌ای (دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی) بوده که با ابزار پرسش‌نامه پژوهشگر ساخته در قالب ۵۰ گویه و به شیوه خود تکمیلی، داده‌های لازم گردآوری شده است. پایایی و روایی ابزار گردآوری داده‌ها، به شیوه خبرگی انجام و با آزمون آلفا کرباخ (۸۸ درصد) محاسبه شده است. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد: میانگین سنی دانشجویان ۲۴ سال است که ۵۲ درصدشان مرد، ۹۱ درصد آنان مجرد، ۸۹ درصدشان در مقاطع کاردانی و کارشناسی و ۳۷ درصد آن‌ها در رشته‌های علوم انسانی تحصیل می‌کنند. میانگین میزان تمایل دانشجویان به مشارکت سیاسی دانشجویان ۱/۶، میزان اعتمادشان (اعتماد سیاسی و اعتماد به نفس سیاسی) ۱/۴، سطح جامعه‌پذیری شان ۱/۸ و احساس امنیت شان ۲ از ۵ می‌باشد. با توجه به نتایج آزمون آماری (همبستگی، T و F، تحلیل رگرسیونی و تحلیل ضرایب مسیر) میان متغیرهای تبیین‌کننده (سطوح جامعه‌پذیری سیاسی، احساس امنیت و اعتماد) با متغیر تبیین‌شونده، رابطه معناداری وجود دارد و متغیرهای مستقل، به‌طور مستقیم/ غیرمستقیم حدود ۸۲ درصد واریانس میزان مشارکت سیاسی دانشجویان را پیش‌بینی می‌کنند. از این رو، برای گذر از گزاره‌های نظری و یافته‌های پژوهشی در باب مشارکت سیاسی دانشجویان به سیاست‌گذاری عمومی در حوزه مزبور، می‌بایست بر اساس یافته‌های نوشتار حاضر سیاست‌های راهبردی را تدوین و کاربستی نمود.

واژگان کلیدی

مشارکت سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی، احساس اثربخشی سیاسی، اعتماد سیاسی، احساس امنیت اجتماعی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۷

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
akbarestmi110@yahoo.com

۲. استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
asgharmohajeri@yahoo.com

۳. استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران.
mbabaei1013@yahoo.com

مقدمه

مشارکت سیاسی یک پدیده اجتماعی - سیاسی پیچیده، چندبُعدی، چندلایه، چندعلّی است که به‌صورت سخت و آسان، اصیل و کاذب/ شبه‌مشارکتی رخ می‌دهد. در کشورهای با فضای سیاسی باز، دموکرات‌محور، توسعه‌یافته، شهروندمدار، دارای وضعیت اقتصادی خوب و ساختار طبقاتی متناسب و به‌طور عمده طبقه متوسط، گروه‌های اجتماعی و اقشار مختلف جامعه به نوع مشارکت اصیل‌گرایش دارند. ولی در جوامع و کشورهایایی که فضای سیاسی بسته دارند، دموکراسی هنوز بالغ نشده، توسعه سیاسی در آن شکل نگرفته است، به‌طور عمده مشارکت سیاسی؛ پیرومنشانه، از بالا به پایین، غیراصیل، شبه‌مشارکتی، فرمایشی و از نوع آسان است. از این‌رو، در زیست‌جهان اجتماعی سیاسی امروزی، مشارکت در معنای عام و مشارکت سیاسی در معنای اخص‌اش، خیلی مهم و برای توسعه و تعالی جامعه بسیار ضروری است.

ناسازگاری بین وضعیت موجود با وضعیت مطلوب مشارکت سیاسی در یک جامعه/کشور یا نوع و میزان تمایل گروه‌های اجتماعی سیاسی به مشارکت سیاسی مسئله مهمی است. مشارکت سیاسی در کل جهان و به‌ویژه کشورهایی که نظام سیاسی دموکراسی دارند از مسئله‌های مهمی است که به‌دلیل اهمیت و ضرورت‌اش می‌بایست به‌تکرار پژوهش می‌شود (Levin, 2015: 3). توصیف و تبیین مسئله مهم میزان مشارکت سیاسی یا‌گرایش و تمایل به آن، از یک‌طرف به ساحت سیاسی جامعه و کشور و از سوی دیگر به‌وجود برخی عامل‌ها و متغیرهای اثرگذاری مانند؛ اعتماد سیاسی، اثربخشی سیاسی، نوع و میزان جامعه‌پذیری سیاسی، امنیت، نوع و میزان بیگانگی سیاسی و غیره بستگی دارد. به‌عبارت‌دیگر و بر اساس اصول سیاست‌گذاری عمومی در این حوزه، تلاش می‌شود، برنامه‌های راهبردی مشارکت سیاسی بررسی، پژوهش و کاربردی‌گردد. در این مسیر، باید تلاش شود حتی حوزه شناخت و پژوهش را هم وارد عرصه سیاست‌گذاری عمومی گردد و تولیدات پژوهشی منجر به تدوین گزارش‌ها و مقالات علمی در عرصه راهبردهای سیاستی شود. چراکه خلق بینش مشارکت سیاسی در نزد دانشجویان یک فرایند راهبردی مهم و شناخت، تبیین، پیش‌بینی فراز و فرآوردهای تمایل به مشارکت سیاسی در نزد شهروندان و به‌ویژه قشر دانشجو که از گروه‌های اجتماعی اثرگذار در ساختار اندیشه‌ای، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هر کشوری محسوب می‌گردد، مهم‌تر و ضروری‌تر است. این وضعیت در سال‌های اخیر در برخی کشورها، جوامع و نظام‌های سیاسی و به‌ویژه در کشور ایران، بیشتر عیان‌گشته و کاهش یا قَلت مشارکت سیاسی

بسیار قابل تامل شده است (حسن‌زاده، ۱۴۰۲: ۱۳۴). زمانی که میل به مشارکت سیاسی در نزد گروه‌های اجتماعی مؤثر و راهبردی چون دانشجویان کاهش می‌یابد، برای جامعه و به‌ویژه برای نظام سیاسی یک تهدید جدی است و می‌بایست با دقت بیشتر و جامع‌تر پژوهش گردد و نتایج آن در سیاست‌گذاری کاربستی شود.

در دهه اخیر در کشور ایران وبه‌ویژه در جامعه آماری پژوهش حاضر مشارکت سیاسی دچار روند کاهشی و در برخی موارد بحرانی شده است. شواهد و مستندات متعدد نشان می‌دهد که این کاهش بسیار جدی و حتی در برخی موارد موجب بیگانگی سیاسی شده است و یافته‌های برخی پژوهش‌ها، دلیل عمده آن را نتیجه عدم مشارکت سیاسی دانشجویان می‌دانند (مهاجری، ۱۴۰۲: ۲۱۲). مشاهدات میدانی پژوهشگران و مطالعه اکتشافی‌شان در جامعه آماری پژوهش حاضر نشان می‌دهد که برخلاف گذشته دانشجویان نه‌تنها، چندان رغبتی به فعالیت‌های سیاسی از جمله عضویت در انجمن‌ها و مجمع‌های سیاسی دانشگاه و تشکیل جلسات سیاسی و تربیون آزاد هفتگی ندارند و مایل به شرکت در هواداری‌های سیاسی از گروه‌ها، احزاب و حضور در راه‌پیمایی‌های حمایتی و اعتراضی نیستند بلکه به مشارکت در انتخابات هم تمایل کم‌تری دارند. شواهد و مستندات در کشور ایران وبه‌ویژه در جامعه آماری پژوهش نشان می‌دهد که میل، انگیزه و گرایش مشارکت سیاسی در نزد آحاد مردم وبه‌طور خاص در نزد دانشجویان به‌شدت کاهش پیدا کرده است (نتایج انتخابات‌های اخیر کشور). یافته‌های پژوهش‌های اخیر از جمله پژوهشگرانی چون: محمدی و همکاران (۱۳۹۹)، آذرنگ و همکاران (۱۳۹۶)، نشان از تمایل پایین مشارکت سیاسی دانشجویان دارد. در این میان تمایل و گرایش به مشارکت سیاسی دانشجویان خیلی بیشتر از میانگین جامعه کاهش داشته که این یک مسئله مهم و البته خطر و تهدید جدی برای یک نظام سیاسی محسوب می‌شود. به‌نظر می‌رسد؛ از یک‌طرف در جهان ذهنی و از طرف دیگر در جهان عینی وزیست سیاسی جامعه آماری پژوهش حاضر، میزان مشارکت سیاسی یا گرایش/ تمایل دانشجویان به آن یک مسئله شده است. چرا که مشاهده‌ها و مطالعات اکتشافی نشان می‌دهد، دانشجویان باور ندارند که در فرایند بازی‌های قدرت و گردش نخبگان در نظام سیاسی، انگاره‌های گذر مسالمت‌آمیز تحقق می‌یابد. از این رو، دانشجویان در سطوح ذهنی و عینی‌شان، اعتماد سیاسی و اعتماد به نفس سیاسی/ احساس اثربخشی سیاسی را از دست دادند و از این رو میل/گرایش‌شان به مشارکت سیاسی کم‌تر شده است. به عبارت دیگر میان وضع مطلوب انتقال قدرت و گردش

نخبگان از طریق الگوها و انگاره‌های مشارکت سیاسی و وضع موجود آن ناسازگاری، تناقض و تعارض وجود دارد و آنان به‌عنوان قشر سرآمد، میان وضع مطلوب مشارکت سیاسی مورد انتظارشان از نوع/ جنس سخت مشارکت سیاسی بانوع آسان‌اش، تناقض/ تعارض و ناسازگاری احساس می‌کنند؛ بنابراین ساحت جامعه‌آماری دانشجویان در این حوزه، دچار تنش و حتی بحران شده و البته دانشجویان و ساحت دانشگاهی متمایل هستند که این وضعیت ناسازگار و تنش‌زا تغییر یا به‌نحوی اصلاح شود که وضعیت پایدار در مشارکت سیاسی از نوع سخت پدیدار گردد (مشاهدات میدانی و مصاحبه‌های عمیق اکتشافی پژوهشگران در دانشگاه‌های زنجان).

باتوجه به‌صورت مسئله پژوهش که نشان‌گر تعارض و ناسازگاری میان وضع موجود مشارکت سیاسی دانشجویان با وضع مطلوب و مورد انتظار آنان است، از اهمیت و اهداف نوشتار حاضر به‌عنوان بخشی از پژوهش مزبور این است که از یک‌طرف تلاش می‌کند، موضوع مشارکت سیاسی دانشجویان را در یک نگرش و رویکرد علمی و به‌ویژه دانش جامعه‌شناختی و فارغ از سوگیرهای سیاسی و در پارادایم اثباتی طرح کند تا ضمن کشف و سنجش (توصیف، تبیین و پیش‌بینی) وضعیت تمایل به مشارکت سیاسی و گونه‌های آن در نزد دانشجویان، به راهکار مناسب برای خروج از این بن‌بست ایجاد شده دست یابد و از طرف دیگر باور دارد در سیاست‌گذاری‌های عمومی مشارکتی و به‌ویژه در مشارکت سیاسی می‌بایست کاربردهای راهبردی دانش بنیان ارائه شود. چون که باید از داوری و تحلیل‌های غیردانشی در مورد کم و کیف مشارکت سیاسی و از ارائه راهکارهای غیرعلمی برای تدوین سیاست‌های کاربردی راهبردی، پرهیز و اجتناب شود. از این‌رو، انجام مکرر و به‌روز پژوهش در حوزه‌گرایش به مشارکت سیاسی در پرتو دانش‌های سیاسی و به‌ویژه جامعه‌شناسی سیاسی، بسیار اهمیت دارد. به‌عبارت‌دیگر، برای اجتناب از سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی سنتی آغشته به ایدئولوژی در توسعه سیاسی و فرایندهای مشارکتی و همچنین برای اجتناب از شیوه‌های مرسوم و کلیشه‌ای برای افزایش تمایل دانشجویان به مشارکت سیاسی در ابعاد گوناگون آن انجام پژوهش مزبور بسیار ضرورت دارد.

مشارکت در معنای وسیع/ عام و مشارکت سیاسی در دامنه تحدید شده و تخصصی مورد نظر مقاله حاضر، یک پدیده سیاسی و اجتماعی پیچیده، چندبُعدی، چندلایه و به‌نظر گولت^۱ (به‌نقل از غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۲۳) یک واقعیت ترکیبی از هدف و

وسیله است. همچنین از بُعد دیگر مشارکت سیاسی دو نوع است؛ الف) آسان، پیچیده، خرد (از پایین به بالا)، وب)، کلان (از بالا به پایین)، شبه مشارکتی/ غیر اصیل. از این رو، با توجه به زوایا و ابعاد مشارکت، میزان گرایش به مشارکت سیاسی دانشجویان و نحوه تجلی/ بروز آن از یک طرف و عوامل مؤثر و به ویژه عامل کلیدی تبیین کننده این وضعیت از طرف دیگر، از پرسش‌های اساسی و بنیادین مقاله حاضر است که به طور عمده بر محور راهبردی اهداف و پرسش‌های پژوهش تدوین شده‌اند. به عبارت دیگر، بر اساس ارتباطات، همبستگی و هارمونی مفاهیم اساسی در پرسش‌های پژوهش، پرسش اساسی این است که چرا و چگونه شهروندان در اینجا دانشجویان در یک بستر علی و زایشی مانند اعتماد سیاسی به اجتماع سیاسی، نهادهای سیاسی و کنش‌گران سیاسی باورمند می‌شوند و احساس اثربخشی سیاسی/ اعتماد به نفس سیاسی به مشارکت سیاسی گرایش و تمایل پیدا می‌کنند؟ همچنین برای تمییز عوامل مؤثر بر میزان تمایل و گرایش به مشارکت سیاسی و پرهیز از تک‌بُعدی‌نگری در تبیین متغیر تبیین‌شونده (گرایش به مشارکت سیاسی)، انجام پژوهش بر اساس مدل تجربی با کشف سهم اثرگذاری هریک از متغیرهای مختلف ضروری است.

مرور ادبیات مفهومی و نظری پژوهش

شهروندی همچون دانشجو با هویت ملی در ساختار یک نظام آموزشی پویا، زمانی میل به مشارکت سیاسی پیدا می‌کند که احساس اثربخشی سیاسی بکند. چراکه از انگیزش‌ها و دلایل کارکردی/ پیامدی و نیت‌مندی مشارکت سیاسی، احساس اثربخشی سیاسی آن است. احساس اثربخشی سیاسی نگرشی است که در اثر آن فرد خلاقانه و متفکرانه، احساس می‌نماید با مشارکت سیاسی خود بر فرایندهای سیاسی اثر گذاشته و بر آن‌ها نظارت می‌کند (Dahl, 1991: 287). مفهوم اثربخشی سیاسی نقش برجسته‌ای در مطالعات رفتار سیاسی و جامعه‌پذیری سیاسی ایفا می‌کند. از این رو، سطوح بالای اثربخشی در میان شهروندان برای اثبات دموکراسی مطلوب ضروری است، زیرا در جامعه دموکراتیک، شهروندان باید اندیشه و احساس کنند که برای ادامه حیات دولت تأثیرگذاری دارند (رابرت، ۱۳۹۴: ۶۹). چراکه فرد اگر احساس کند، با مشارکت سیاسی‌اش بر فرایندهای سیاسی اثر گذاشته و می‌تواند از این طریق بر مقدرات جامعه‌اش مؤثر باشد، یک ذهن و عین آماده برای مشارکت سیاسی پیدا خواهد نمود. به عبارت دیگر، هرچه احساس اثربخشی سیاسی فرد کمتر میزان مشارکت سیاسی او هم کمتر خواهد بود. چراکه بر اساس تعریف هانتینگتون و نلسون از

مشارکت‌سیاسی که آن را فعالیت شهروندان برای تأثیر نهادن بر فرایند تصمیم‌گیری‌های دولت می‌دانند، مشارکت‌سیاسی در کشورهای توسعه‌یافته از یک‌طرف تابع دامنه ذهنیات کنشگران و از طرف دیگر، تابعی از دامنه فعالیت‌های توسعه‌بخش دولت در جامعه محسوب می‌شود؛ اما از نظر این متفکران مشارکت‌سیاسی در کشورهای در حال توسعه، فی‌نفسه هدف محسوب نمی‌شود بلکه تابعی از تصمیمات نخبگان حاکم و سیاست‌های آن‌ها می‌باشد. بدین معنا نخبگان برای تحکیم قدرت خود، تحکیم استقلال ملی و... مشارکت بخش‌هایی از جامعه را در سیاست تسهیل و تشویق می‌کنند (غفارزاده، ۱۳۹۴: ۲۷).

برخی صاحب نظران از ابعاد و زوایای دیگر، تعاریفی از مشارکت‌سیاسی ارائه دادند مانند؛ میلبراث که معتقد است، مشارکت‌سیاسی فعالیتی با قصد تأثیرگذاری بر حکومت یعنی؛ درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی است و گرایش به مشارکت‌سیاسی به معنای مساعی سازمان یافته شهروندان برای انتخاب رهبران خویش، شرکت مؤثر در فعالیت‌ها و امور اجتماعی و سیاسی و تأثیر گذاشتن بر ترکیب هدایت سیاسی دولت است (Millbrath, 1981: 34). در تعریف دیگر، مشارکت‌سیاسی عبارت از فعالیت ارادی و داوطلبانه است که از طریق آن اعضای یک جامعه در روند تصمیم‌گیری‌ها و خط‌مشی‌های مربوط به جامعه تأثیر می‌گذارند و شامل؛ تماس با مسئولین و مقامات دولتی درباره مشکلات، تلاش برای متقاعد کردن افراد به رأی دادن، شرکت در انتخابات محلی یا ملی و... است (باتامور، ۱۳۹۴: ۸۳۷). تعاریف مزبور که مورد توجه پژوهش حاضر هم هست، از تعاریف نظری معتبر در جامعه‌شناسی سیاسی می‌باشد.

از اساسی‌ترین مباحث نظری در پیرامون مشارکت‌سیاسی، سلسله مراتب، ابعاد، وسعت، و ساخت‌ذهنی آن است. از نظر میلبراث^۱، پایین‌ترین سطح مشارکت واقعی رأی دادن در انتخابات است. او در تعیین سطوح مشارکت‌سیاسی، مردم آمریکا را به سه گروه تقسیم می‌کند؛ گلا دیاتورها یا کسانی که غالباً در سیاست فعالند (بین ۵ و ۷ درصد)، تماشاگرها یا کسانی که به حداقل در سیاست درگیرند (حدود ۶۰ درصد)، و بی‌تفاوت‌ها (حدود ۳۳ درصد) یا همان کسانی که در سیاست درگیر نمی‌شوند (به نقل از شریفی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴). صاحب‌نظران حوزه علوم سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی همچون گابریل (۱۳۷۶)، جوج و گله‌دار (۱۳۹۵) مشارکت‌سیاسی را بر اساس ملاک‌های چون نوع فعالیت سیاسی طبقه‌بندی می‌کنند که عبارتند از:

- رأی دادن در انتخابات محلی یا سراسری ویا درهمه‌پرسی‌ها؛
- فعالیت تبلیغاتی به‌نفع احزاب یا نامزدهای سیاسی؛
- عضویت در احزاب سیاسی یا گروه‌های فشار؛
- شرکت در تظاهرات سیاسی؛
- اعتصاب‌های صنفی با اهداف سیاسی یا در انواع اعتصاب‌های دیگر که هدف از آن تغییر؛ سیاست‌گذاری عمومی باشد؛
- اشکال گوناگون نامزدهای مدنی؛
- عضویت در کمیته‌های مشورتی دولتی؛
- عضویت در شوراهای مصرف‌کنندگان و اشکال گوناگون فعالیت‌های مدنی در زمینه‌هایی چون تأمین مسکن برای تهیدستان یا موضوعات زیست محیطی، آزادی‌های مطبوعاتی و... که تبعاتی برای سیاست‌گذاری عمومی دارد، می‌باشد. برخی صاحب‌نظران دیگر، مشارکت سیاسی را بر اساس معیار انگیزش و گرایش، گونه‌شناسی نمودند که می‌توان به مشارکت سیاسی خودجوش که به‌طور طبیعی از بطن جامعه و بر اساس یک ساختار سازمان‌یافته پدیدار می‌شود، اشاره کرد. این مشارکت بر اساس میزان بالایی از سواد و آگاهی سیاسی پدیدار می‌گردد و در اثر وجود یک فرهنگ سیاسی ریشه‌دار و قوی شکل می‌گیرد. در این گونه از مشارکت، افراد یا گروه‌ها با دلایل آگاهانه، گرد هم آمده و علایق و منافع گوناگون خود را پی‌گیری می‌نمایند و برای رسیدن به اهداف خود، انجمن ویا نهادی را تشکیل می‌دهند. همچنین، مشارکت برانگیخته شده که برخلاف مشارکت خودجوش، از متن جامعه بر نخواست و حالت صوری دارد. در این نوع از مشارکت، دولت‌ها و حکومت‌ها با تهییج و تحریک توده‌های مردمی، آن‌ها را برای شرکت در زندگی سیاسی بسیج می‌کنند. این نوع مشارکت معمولاً برای اهداف از پیش تعیین‌شده طراحی می‌شوند. معمولاً در حکومت‌های توتالیتر که مردم از سواد و آگاهی کمتری برخوردار بوده و میزان تأثیرپذیری و قابلیت برانگیخته شدن بیشتری دارند، مردم را تحریک به مشارکت می‌کنند. فعالیت/ مشارکت مردم هم چیزی جز تحکیم مبانی قدرت و تقویت مشروعیت نظام حاکم نیست. این حکومت‌ها با استفاده از یکسری اسطوره‌ها و سمبل‌های ملی یا قابلیت مذهبی، بسیج و مشارکت سیاسی مردم را افزایش می‌دهند. البته در تمامی سیستم‌های سیاسی، سازمان‌هایی برای بسیج توده‌ها وجود دارد، اما در سیستم‌های دموکراتیک بسیج کمتری صورت می‌گیرد، زیرا نهادهای مشارکتی به اندازه کافی وجود دارد (حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹).

در زمینه ایجاد اعتماد سیاسی برای افزایش مشارکت سیاسی، صاحب نظران حوزه جامعه‌شناسی سیاسی معتقدند، مشارکت سیاسی به‌عنوان مفهوم اصلی توسعه‌سیاسی زمانی موجب جلب اعتماد سیاسی و احساس اثربخشی سیاسی نخبگان و سرآمدان جامعه مانند دانشگاهیان می‌شود و آن‌ها را برای گرایش به مشارکت سیاسی متمایل می‌سازد که پیش‌شرط‌های آن تحقق یابد. پیش‌شرط‌هایی مانند قاعده‌مند شدن انتقال قدرت سیاسی از گروهی به گروه دیگر، استمرار چرخش نخبگان و دگرگونی در گروه حاکم، افزایش احساس مسئولیت در مقابل خواسته‌های جامعه از طرف حاکمان سیاسی، ضرورت پیدایش سازمان‌های حزبی، کاهش اتخاذ سیاست‌های خشونت‌آمیز و سرکوب‌گرانه از طرف حاکمان، کاهش دست زدن به خشونت از طرف مخالفان و مهم‌تر از همه، تأثیر مثبت بر فرهنگ‌سازی سیاسی در جامعه که از طریق جامعه‌پذیری سیاسی و تغییر فکر و اندیشه شهروندان ممکن است (فیروزجائی، ۱۳۸۷: ۸۵). زمانی شهروند احساس اثربخشی سیاسی کرده و میل به مشارکت سیاسی پیدا می‌نماید که به سطح قابل قبولی از اعتماد سیاسی در جهان واقعی برسد. چراکه اعتماد، یک مؤلفه ضروری در همه روابط مستمر اجتماعی است و تنظیم‌کننده روابط افراد جامعه و نحوه‌کش‌های آن‌ها نسبت به هم در همه محیط‌های کنشی می‌باشد. عرصه سیاسی را می‌توان یکی از این محیط‌های کنشی دانست که اعتماد در آن متوجه روابط بین مردم و حکومت است. اعتماد سیاسی از طریق مثبت ساختن نگرش به کارگزاران، نهادها و اجتماعات سیاسی، در آنان احساس اثربخشی و کارآیی سیاسی ایجاد می‌کند و به مشارکت سیاسی ترغیب‌شان می‌نماید. به‌تعبیر استون اعتماد سیاسی نگرش‌ها و باورهای ذهنی مثبت نسبت به موضوعات سیاسی است و این موضوعات هم به دولت سیاسی و هم متصدیان اقتدار در جامعه بر می‌گردد. در واقع، اعتماد سیاسی شکلی از حمایت از رژیم سیاسی و صاحبان اقتدار سیاسی است (Gabril, 1997: 360) بریتزر هم اعتماد سیاسی را به سه بخش اعتماد به اجتماع سیاسی، نهادهای سیاسی و کنشگران سیاسی تقسیم می‌کند. حتی برخی اعتماد سیاسی را باور و اعتقاد شهروندان به سیاست‌مداران در مورد توانایی و موفقیت آنها می‌دانند (Huntington, 1998: 791-808). از این رو، چندشاخص کلان را در تعریف اعتماد سیاسی ملاک قرار می‌دهند، از جمله؛ پشتیبانی از اجتماع سیاسی (ملت)، پشتیبانی از کارگزاران، حمایت از ساختار حکومت و پشتیبانی از قانون اساسی. در رویکردی دقیق‌تر که در اکثر مطالعات به آن‌ها توجه بیشتری می‌شود، سه بُعد؛ اعتماد به نظام سیاسی، اعتماد به کارگزاران سیاسی و اعتماد به نهادها/ سازمان‌های سیاسی را

می‌توان عمده‌کرد (زاهدان و خانباشی، ۱۳۹۰: ۷۶).

در پژوهش حاضر و در هم‌راستایی گزاره‌های نظری مزبور، نظریه و گزاره‌های نظری آلبرت بندورا، بسیار مورد توجه و تأکید است. او از مهم‌ترین نظریه‌پردازان تبیین‌کننده مشارکت سیاسی، بر اساس «اعتماد سیاسی» و اعتماد به نفس/ احساس اثربخشی سیاسی است. بندورا در دیدگاه نظری که مطرح کرده است کنش جمعی مشارکت سیاسی را متأثر از یک عامل فردی و ذهنی با عنوان «اعتماد به نفس نفس سیاسی» و یک ساختار عینی به عنوان «اعتماد به محیط سیاسی» می‌داند. مطابق نظریه بندورا «اعتماد سیاسی فرایندی مرکب از اعتماد به دولت و اعتماد به نفس می‌باشد» (ربیعی، ۱۳۸۰: ۷۳).

جدول ۱. توزیع میزان رابطه مشارکت سیاسی بر اساس میزان اعتماد سیاسی و اعتماد به نفس سیاسی/ احساس اثربخشی سیاسی

اعتماد به نفس سیاسی/ احساس اثربخشی سیاسی		اعتماد سیاسی (اعتماد به دولت و محیط سیاسی)
پایین	بالا	
رفتار تبعی و مقلدانه	رفتار مشارکت طلبانه	بالا
رفتار انزواگرایانه/ بیگانگی سیاسی	رفتار اعتراضی/ ستیزه‌گری	پایین

چنانچه جدول شماره ۱ نشان می‌دهد کنش جمعی مشارکت سیاسی شهروندان تابعی از میزان اعتماد به نفس سیاسی فرد/ احساس اثربخشی سیاسی و اعتماد به دولت/ اعتماد سیاسی بر اساس پاسخ‌گویی و عمل نظام سیاسی است. رفتار سیاسی مشارکت طلبانه که در آن شهروندان برای تعیین سرنوشت و اثرگذاری بر نظام سیاسی با دلگرمی به عمل و مشارکت سیاسی تمایل دارند و انجام می‌دهند زمانی آشکار می‌گردد که دو مقوله اتکاء به نفس و اعتماد به انعطاف‌پذیری محیط سیاسی با اعتماد به دولت باهم تلاقی یافته و با ترکیب عین و ذهن، این‌گونه رفتار سیاسی را سبب شود. در شرایطی که اعتماد به نفس در شهروندان ایجاد نشود یا کم باشد ولی در آنان اعتماد به دولت وجود داشته باشد، شاهد رفتار پیرو منشانه سیاسی شهروندان ناشی از اقتدار سنتی کاربزماتیک نظام سیاسی و کنشگران سیاسی خواهیم بود که در آن مشارکت، فعال و معطوف به هدف نیست بلکه می‌توان آن را مشارکت دعوتی/ ابزاری یا مشروط قلمداد کرد که ارزش سیاسی چندان بالایی ندارد. گرایش به مشارکت سیاسی در قالب رفتار سیاسی اعتراضی زمانی خود را آشکار می‌سازد که اعتماد به دولت و انعطاف محیط سیاسی وجود ندارد اما اعتماد به نفس

حضور دارد. در چنین شرایطی کنش‌های سیاسی در قالب طیفی از رفتارهای اعتراضی خشن تا مسالمت‌آمیز بروز می‌کند. در شرایطی که هیچ‌کدام از مقولات اعتماد فراهم نباشد، فرد در سطوح مختلف دچار بیگانگی سیاسی، از جمله بی‌تفاوتی سیاسی شده و رفتاری انزواگرایانه از وی سر می‌زند (Bandora, 2021:132).

مباحث و ادبیات نظری که بر محور اهداف و پرسش‌های پژوهش، مرور و تدوین شده است، نشان می‌دهد، مشارکت سیاسی به‌عنوان یک پدیده و واقعیت پیچیده، چندبعدی، چندلایه/ سطوح با گونه‌های مختلف و در عین حال بسیار مهم و ضروری برای نظام سیاسی است که به تعبیر بوردیوی به‌عنوان یک منش و هویت سیاسی در یک فرایند مستمر اعتمادپذیر و اعتمادساز جامعه‌پذیری سیاسی حاصل می‌شود که هسته اصلی آن در درون؛ اعتماد - اعتمادبه‌نفس و اعتماد سیاسی - قرار دارد. باید جامعه‌پذیری سیاسی مزبور در یک پهنه و بستر امن و در محیط‌های سیاسی که اعتماد سیاسی ارمغان آن است، انجام گیرد و با مُزدوج شدن با اعتمادبه‌نفس که محصول تربیت و جامعه‌پذیری نظام‌های اجتماعی‌کننده است، ایجاد احساس اثربخشی سیاسی کرده و در نتیجه موجب تمایل به کنش جمعی مشارکت سیاسی در جامعه و نظام سیاسی گردد. به عبارت دیگر یک شهروند مانند دانشجویان باشخصیت و دارای هویت ملی برآمده از دل یک ساختار آموزشی پویا، به‌روز و کارآمد مبتنی بر منافع ملی که دارای اعتمادبه‌نفس است، اگر در یک بستر امن اجتماعی و در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی به‌دلیل انعطاف نظام سیاسی به‌اعتماد سیاسی برسد، آن هنگام او به مشارکت سیاسی از نوع سخت، واقعی، اصیل و از پایین به بالا متمایل خواهد شد که پی‌آمدش فریه‌شدن کنش جمعی مشارکت سیاسی و در نهایت مصونیت نظام سیاسی در عرصه‌های داخلی و خارجی از تهدیدات و خطرات است.

- مرور ادبیات تجربی پژوهش

مهاجری و همکاران (۱۴۰۲) در بررسی عوامل مؤثر بر بیگانگی سیاسی و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های کرج/ البرز، به این نتیجه رسیدند که نه تنها میانگین تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان در سطح پایین‌تر هست، بلکه آنان به شدت دچار بیگانگی سیاسی به‌ویژه در سطح بی‌معنایی شدند. فقدان نیل به آگاهی اجتماعی به‌دلیل جامعه‌پذیری سیاسی نارس و ناقص، ذهن دانشجویان را مستعد یک ظرفیت تصمیم‌گیر برای مشارکت سیاسی نمی‌نماید. مهاجری و میرزایی (۱۳۹۸) در بررسی نقش پنداره‌های سیاسی زنان شهر تهران در میزان گرایش به مشارکت سیاسی، سهم

اثرگذاری پنداره‌ها از اعتماد سیاسی و اعتماد به‌خود را در مشارکت بیشتر می‌دانند. حسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۵)، عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان شهرستان کاشان و آران و بیدگل را با حجم نمونه ۴۰۰ نفر، مطالعه نمودند و دریافتند میان متغیرهای زمینه‌ای و گرایش به مشارکت سیاسی رابطه وجود ندارد؛ یعنی سن، جنس، وضعیت تأهل و تحصیلات شهروندان مشارکت سیاسی را تبیین نمی‌کند، بلکه اعتماد سیاسی و احساس اثربخشی مهم هست. همچنین مشخص گردید که مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، آگاهی اجتماعی و انسجام اجتماعی بر گرایش شهروندان بر میزان مشارکت سیاسی مؤثر می‌باشد. بیشترین تأثیر بر گرایش به مشارکت سیاسی مربوط به متغیر مشارکت اجتماعی، در مرتبه دوم آگاهی اجتماعی، در مرتبه سوم اعتماد اجتماعی و در نهایت انسجام اجتماعی بودند. نگین تاجی و کشاورز (۱۳۹۴) به بررسی عوامل اجتماعی، فردی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت سیاسی جوانان شهرستان نورآباد ممسنی در بین تعداد ۲۱۹ نفر از جوانان پرداختند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد بین رسانه‌های جمعی، تعهد مذهبی، اعتماد اجتماعی، سیاسی بودن دوستان و سیاسی بودن خانواده با مشارکت سیاسی جوانان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج رگرسیون چند متغیره نشان داد که چهار متغیر سیاسی بودن دوستان، رسانه‌های جمعی، سیاسی بودن خانواده و متأهل بودن در مجموع توانسته‌اند ۶۴/۸ درصد از واریانس متغیر وابسته یعنی مشارکت سیاسی جوانان را تبیین کنند. شریفی و همکاران (۱۳۹۲)، عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های بوکان را مورد بررسی قرار دادند. مطالعه آن‌ها در بین ۳۸۴ نفر از دانشجویان اجرا گردید. یافته‌ها نشان داد که بین متغیرهای چون؛ بی‌معنایی سیاسی، احساس تبعیض قومی، بی‌تفاوتی سیاسی، اعتراض سیاسی، بی‌قدرتی سیاسی، احساس اثربخشی سیاسی، وفاداری سیاسی، حساسیت سیاسی، احساس رضایت از نتایج برنامه‌ها و پاداش حاصل از فعالیت‌های سیاسی با میزان مشارکت سیاسی افراد، رابطه معناداری وجود دارد. ضرایب تحلیل مسیر نشان داد که متغیر اعتراض سیاسی، مناسب‌ترین تبیین‌کننده مشارکت سیاسی دانشجویان است.

مسعود نیا و همکاران (۱۳۹۰) در بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی استادان دانشگاه اصفهان به تعداد ۱۲۰ نفر دریافتند، رابطه معناداری بین متغیرهای چون؛ رسانه‌های جمعی، آگاهی سیاسی، محیط سیاسی، اثربخشی سیاسی، انگیزه‌های سیاسی، میزان محرومیت نسبی و احساس بی‌قدرتی سیاسی با مشارکت سیاسی

وجود دارد. غفاری هاشجین و همکاران (۱۳۸۹) عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران را مورد مطالعه قرار داد. حجم نمونه مطالعه آن‌ها شامل ۳۵۲ نفر از دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران بود. بر اساس یافته‌های آن‌ها، دانشجویان علوم سیاسی بیش از دانشجویان فنی برای مشارکت سیاسی تحت تأثیر رشته تحصیلی خود بوده‌اند. از طرف دیگر دانشجویان فنی بیشتر از دانشجویان علوم سیاسی برای مشارکت سیاسی تحت تأثیر رشته تحصیلی خود بوده‌اند. رابطه دانشکده محل تحصیل با مشارکت سیاسی در دو گروه معنادار نبود. انگیزه دانشجویان دو گروه برای مشارکت سیاسی هم متفاوت بود، به طوری که در گروه علوم سیاسی تأثیر دوستان و خانواده و سپس انگیزه سیاسی سهم بیشتری برای مشارکت سیاسی داشت، اما در گروه فنی، دوستان، انگیزه سیاسی و محیط سیاسی تأثیرگذارتر از سایر انگیزه‌ها بوده است.

- روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس اطلاعات جدول شماره ۲، برای پاسخ به پرسش‌های؛ چرایی؟ و چگونگی؟ میزان تمایل دانشجویان به مشارکت سیاسی در پارادایم اثباتی و در حوزه بینشی جامعه‌شناسی سیاسی، با رویکرد کمی و به روشی پیمایشی در جامعه آماری دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی با حجم نمونه ۳۸۰ نفر/ دانشجو، انجام شده است. شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای نسبتی/ سهمیه‌ای (زنان، دختران و دانشکده‌ها) و خوشه‌ای (دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی) بود. به عبارت دیگر، واحد مشاهده و تحلیل در پژوهش حاضر، دانشجوی در حال تحصیل دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان بود که ابتدا بر اساس وزن جمعیتی‌شان (دختر/ پسر و رشته تحصیلی) سهم/ وزن آنان در جمعیت آماری پژوهش تعریف گشتند، سپس بر اساس واریانس متغیرهای برآوردکننده و سطوح اطمینان و غیره و بر اساس فرمول کوکران، حجم نمونه تعیین گردید، در ادامه بر اساس وزن نسبتی خوشه‌ها (دانشکده‌ها) و وزن نسبتی جنسی/ مرد وزن، سهمیه (تعداد) نمونه هر یک در دانشکده تعیین شد و در نهایت با مراجعه به خوشه انتخابی در گروه‌های آموزشی مستقر در دانشکده (به دلیل پایین بودن واریانس میان گروهی، از گروه‌های تشکیل دهنده دانشکده یک گروه آموزشی به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده بود) از دانشجویان آن گروه آموزشی به صورت انفرادی یا مستقر/ حاضر در یک کلاس با ابزار پرسش‌نامه پژوهش‌گر ساخته و به شیوه خود تکمیلی، داده‌های لازم گردآوری شده است. پایایی و روایی ابزار گردآوری و داده‌ها، به شیوه خبرگی و همچنین

باآزمون آلفاءکرنباخ (۸۸درصد) برآورد شده است.

جدول ۲. توزیع وضعیت روشی پژوهش بر اساس مؤلفه‌های اصلی آن

رویکرد	روش	هدف	جامعه آماری	حجم نمونه	شیوه نمونه‌گیری	ابزار گردآوری	روایی	پایایی	نرم‌افزار
استقرایی	پیمایش	بنیادی/کاربردی	۹۸۰۰ نفر	۳۸۰ نفر	نسبتی/خوشه‌ای	پرسش‌نامه	خبره‌گی	الفبا (۰/۸۸)	spss

همچنین ابزارگردآوری داده‌ها که پرسش‌نامه پژوهشگرساخته بود، دارای ۵۰ گویه و درقالب ۴ خوشه پرسش بود که این گویه‌ها بر اساس تعریف نظری و به‌ویژه عملی/شاخص‌سازی و تدوین شده بودند. باتوجه به‌اهمیت متغیر مشاکت سیاسی و سطوح آن، شاخص‌های آن را به‌صورت ضمنی یادآور می‌شویم. مشارکت سیاسی در سه سطح ۱. مقلدانه/ضعیف/مشاهده‌گرایانه، ۲. سطح آگاهانه/متوسط و ۳. سطح گلا دیاتوری/عالی/پرتلاش توزیع می‌شود. می‌توان هریک ازاین شاخص‌ها را درقالب چندگویه و در یک پیوستار پنج وضعیتی سنجید.

سطح اول: مشارکت مقلدانه

تمایل به‌شرکت فعالانه و دادن رای درانتخابات کشور
تمایل به فعالیت در ستادهای انتخاباتی
تمایل به‌پیگیری اخبار و گزارش سیاسی مرتبط و هم سو بانظام

سطح دوم: سطح آگاهانه

تمایل به‌شرکت درهمایش‌ها و مجالس علمی و... مرتبط بانظام (برای ارائه مقاله، سخنرانی، مستمع و...)
تمایل به‌راه‌اندازی شبکه‌های مجازی، وبلاک و... برای حمایت ازنظام
تمایل به‌ارائه نظرات، پیشنهادها، انتقادات و... به‌مسئولان و مدیران نظام

سطح سوم: پرتلاش

تمایل به‌شرکت درراه‌پیمایی‌ها درحمایت ازنظام
تمایل به‌عضویت در یکی از نهادهای سیاسی دانشگاه مانند بسیج دانشجویی، انجمن اسلامی و...
تمایل به‌عضویت درگروه‌ها و احزاب سیاسی رسمی مورد تأیید نظام
تمایل به‌ثبت نام و داوطلب شدن برای انتخابات شوراهای، مجلس و...

یافته‌های پژوهش

- یافته‌های توصیفی

۵۲ درصد از دانشجویان پاسخ‌گو مرد و ۴۸ درصد آنان زن بامیانگین سنی ۲۴ سال هستند که کوچکترین شان ۱۹ و بزرگترین شان ۴۰ سال می‌باشند (دامنه تغییرات ۲۱ سال). با وجود این که در اکثر دانشگاه‌های کشور ایران زنان بیشتر از مردان در حال تحصیل هستند ولی به دلایلی چون: وجود رشته‌های مهندسی که تا حدودی هنوز در ایران و به ویژه در استان زنجان مردانه هست و همچنین بر اساس فرهنگ خاص استان زنجان و... هنوز این دانشگاه تا حدودی مردانه است. ۹۱ درصد دانشجویان با توجه به میانگین و دامنه سنی شان مجرد هستند. همچنین ۸۹ درصد دانشجویان در مقاطع تحصیلی کاردانی و کارشناسی تحصیل می‌کنند. بر اساس داده‌های جدول شماره ۳ حدود ۴۶ درصد دانشجویان در رشته‌های مستقر در دانشکده‌های علوم پایه و فنی مهندسی، ۳۷ درصد دانشجویان در رشته‌های مستقر در دانشکده علوم انسانی مشغول به تحصیل هستند. دلیل بالا بودن فراوانی رشته‌های تحصیلی مزبور، ساختار و شیوه پذیرش خاص این دانشگاه می‌باشد.

جدول ۳. توزیع نمونه‌های پژوهش بر حسب تحصیل در رشته‌های تحصیلی مستقر در دانشکده‌های تخصصی

رشته تحصیلی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
علوم انسانی	۱۴۰	۳۷
فنی مهندسی	۱۱۵	۳۰
علوم پایه	۶۰	۱۶
علوم مدیریت و اقتصاد	۳۵	۹
پرستاری و مامایی	۳۰	۸
جمع	۳۸۰	۱۰۰

متغیرهای اصلی پژوهش که در درون پرسش‌ها و به ویژه فرضیه‌های پژوهش، مستتر و مسخر هستند، شاکله اصلی فضای مفهومی و کلیدی نوشتار حاضر را تشکیل می‌دهند که اگر به درستی با آماره‌های آمار توصیفی معرفی و توصیف شوند، می‌توانند به فهم کلیت پژوهش و به ویژه دردردک روشن فرضیه‌های پژوهش بسیار کمک کنند.

۱. گرایش به مشارکت سیاسی

جدول ۴. توزیع میانگین و واریانس مشارکت سیاسی نمونه‌های پژوهش به تفکیک شاخص‌های تشکیل دهنده آن

آماره‌های توصیفی		تمایل به مشارکت سیاسی و شاخص‌های تشکیل دهنده آن
واریانس	میانگین	
۱/۱۲۱	۱/۶	کل مشارکت سیاسی
۱/۲۳۱	۲	مشارکت مقلدانه
۱/۱۲	۱/۳۲	مشارکت آگاهانه
۱/۲۳۱	۲/۲۱	مشارکت پرتلاش/گلا دیاتور

چنانچه یافته‌های پژوهش که اطلاعات آن را جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، تمایل دانشجویان به مشارکت سیاسی بامیانگین ۱/۶ و واریانس ۱/۱۲۱ در سطح کم است و مقدار مشارکت مقلدانه و آگاهانه که دارای میانگین بیشتری هم است، جای تأمل دارد. در کل میزان تمایل به مشارکت سیاسی کم‌تر است و میل به خیلی کم‌تر می‌کند. حتی سطح مشارکت گلا دیاتوری هم نزدیک کم است.

۲. اعتماد سیاسی و احساس اثربخشی سیاسی یا اعتماد به نفس سیاسی پاسخ‌گویان/

دانشجویان

جدول ۵. توزیع میانگین و واریانس اعتماد سیاسی و احساس اثربخشی/ اعتماد به نفس سیاسی دانشجویان

آماره‌های توصیفی		اعتماد و شاخص‌های تشکیل دهنده آن
واریانس	میانگین	
۱/۱۰۱	۱/۴	کل/ میانگین
۱/۲۶۱	۱/۵	اعتماد سیاسی/ دولت
۱/۱۴	۱/۳	اعتماد به نفس/ اثربخشی سیاسی

با توجه به اطلاعات جدول شماره ۵ و دیگر اطلاعات حاصل از پژوهش و بر اساس نظرات/ ایستارهای دانشجویان، میانگین اعتماد به نفس سیاسی یا همان احساس اثربخشی سیاسی در بین نمونه‌های پژوهش ۱/۴ از نمره ۵ به دست آمد. کم‌ترین نمره در دامنه نمرات احساس اثربخشی سیاسی ۱۱ و بالاترین نمره ۶۶ است. بیشترین درصد دانشجویان/ پاسخ‌گویان معتقدند تأثیری بر تصمیمات دولت نداشته و گروه کوچکی از قدرتمندان جامعه را اداره می‌کنند و مشارکت سیاسی مردم عادی تأثیری در حذف یا دوام آن‌ها ندارد. در مقابل درصد بسیار پایینی معتقدند می‌توانند در تصمیمات سیاسی تأثیرگذار باشند. به عبارت دیگر، در صدبالاتری از پاسخ‌گویان اعتقاد دارند مسئولان بیشتر نهادها و

سازمان‌های سیاسی از موقعیت شغلی خود سوءاستفاده و به نفع خود حسن استفاده را می‌کنند و درصد بسیار پایین یعنی در حدود ۱/۳ از ۵ معتقدند که مسئولان در تمام نهادها از حیف و میل شدن بیت‌المال جلوگیری می‌کنند، صاحب‌منصبان سیاسی کشور دارای مهارت‌ها و تخصص‌های لازم در زمینه سیاستگذاری عمومی و به‌ویژه تدوین سیاست‌های راهبردی می‌باشند و دولتمردان کشور با دوراندیشی و آینده‌نگری برای کشور برنامه‌ریزی و حکم‌روایی می‌کنند. نزدیک به ۹۰ درصد دانشجویان از اعتماد سیاسی و احساس اثربخشی سیاسی کمتری در سطح زیاد و خیلی زیاد قرار دارند و این عدد برای اعتماد سیاسی حدود ۸۵ و برای احساس اثربخشی حدود ۹۵ درصد است.

– یافته‌های تبیینی/ فرض‌آزمایی

– بین میزان احساس اثربخشی سیاسی/ اعتماد به نفس سیاسی با مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان رابطه وجود دارد.

جدول ۶. توزیع نتایج آزمون هم‌بستگی بر اساس احساس اثربخشی سیاسی با مشارکت سیاسی

متغیرها	ضریب هم‌بستگی و سطح معناداری
میزان احساس اثربخشی سیاسی و میزان گرایش به مشارکت سیاسی	ضریب هم‌بستگی ۰/۳۶۵ سطح معناداری ۰/۰۰۰

هرچه میزان اعتماد به نفس سیاسی/ احساس اثربخشی سیاسی دانشجو برای فعالیت یا گرایش مشارکت سیاسی بیشتر باشد، به‌طور قطعی میزان گرایش به مشارکت سیاسی او افزایش خواهد یافت. از این رو، برای تعیین رابطه میان میزان احساس اثربخشی سیاسی با گرایش به مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، از آزمون هم‌بستگی پیرسون استفاده گردید. همان‌گونه که در جدول شماره ۶ ملاحظه می‌شود، سطح معناداری در سطح ۹۹ درصد در سطح قبول (۰/۰۰۰) و ضریب هم‌بستگی ۰/۳۶ به دست آمده است. در نتیجه بین میزان احساس اثربخشی سیاسی با میزان گرایش به مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان رابطه معنادار، مثبت و قوی وجود دارد. به این معنا که با افزایش میزان احساس اثربخشی سیاسی، گرایش به مشارکت سیاسی نیز افزایش می‌یابد.

– بین میزان اعتماد سیاسی با مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان رابطه وجود دارد.

جدول ۷. توزیع نتایج آزمون هم‌بستگی میزان اعتماد سیاسی بامشارکت سیاسی

متغیرها	ضریب هم‌بستگی و سطح معناداری
اعتماد سیاسی و گرایش به مشارکت سیاسی	ضریب هم‌بستگی ۰/۶۳۲ سطح معناداری ۰/۰۰۰

اگر نظام سیاسی برای پایداری و مصون ماندن از تهدیدهای سیاسی به مشارکت سیاسی شهروندان و به‌ویژه دانشجویان نیازمند است، پس می‌بایست اعتماد سیاسی آنان را جلب و افزایش دهد. این نتیجه و حکم از آزمون هم‌بستگی بین میزان اعتماد سیاسی با مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان که در جدول شماره ۷ گزارش شده است، حاصل می‌شود. یافته‌های این جدول حاکی از سطح معناداری قابل قبول (۰/۰۰۰) و هم‌بستگی ۰/۶۳ درصدی است. بنابراین تأیید می‌شود؛ بین میزان اعتماد سیاسی با مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، رابطه معنادار مثبت و قوی وجود دارد.

– میان شاخص‌های اعتماد سیاسی و اعتماد به نفس سیاسی / احساس اثربخشی سیاسی هم‌بستگی وجود دارد.

جدول ۸. توزیع نتایج آزمون هم‌بستگی پیرسون و آزمون F رابطه بین شاخص‌های اعتماد

اعتماد به نفس اثربخشی سیاسی	اعتماد سیاسی	ضریب هم‌بستگی و آزمون F	
		نمونه: ۳۸۰	
۰/۷۷۳	۰/۷۳۶	پیرسون	اعتماد
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	Sig(2-tailed)	
۱۴/۱۲۱	۷/۴۶۲	آزمون F	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	Sig(2-tailed)	

با توجه به اطلاعات و یافته‌های جدول شماره ۸ در مورد معناداری رابطه بین شاخص‌های اعتماد موارد ذیل بسیار قابل تأمل است؛

- ضریب هم‌بستگی بین اعتماد سیاسی برابر با ۰/۷۳۶ می‌باشد و F محاسبه شده برابر با ۷/۴۶۲ در سطح ۹۵ درصد رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($P > ۰/۰۵$).
 - ضریب هم‌بستگی بین اعتماد به نفس سیاسی / احساس اثربخشی سیاسی برابر با ۰/۷۷۳ می‌باشد و F محاسبه شده برابر با ۱۴/۱۲۱ در سطح ۹۵ درصد رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($P > ۰/۰۵$).
- پرسش اساسی این است که آیا بین شاخص‌های اعتماد سیاسی با شاخص‌های

اعتماد به نفس سیاسی / اثربخشی سیاسی، همبستگی وجود دارد و می‌توان آن دورا به‌عنوان یک سازه/ عامل/ متغیر برای تبیین واریانس میزان مشارکت سیاسی، مورد بررسی قرار داد. یافته‌های پژوهش به این پرسش پاسخ مثبت دارند و شاخص‌های اعتماد دارای همبستگی و انسجام درونی هستند. از این رو، از تحلیل رگرسیون چنین نتیجه‌گیری می‌کنیم که هر سه متغیر/ مؤلفه اعتماد، جامعه‌پذیری سیاسی و احساس امنیت به ترتیب بر حسب میزان بتای محاسبه شده بر میزان گرایش به مشارکت سیاسی تأثیر دارند.

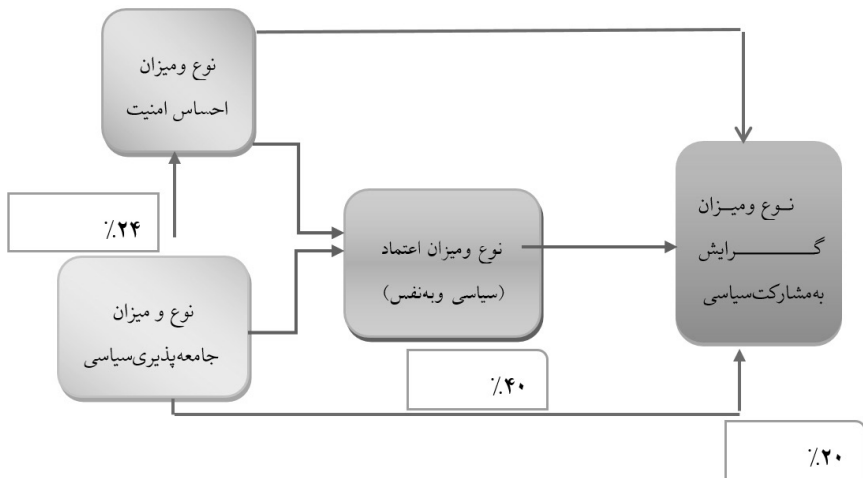
جدول ۹. توزیع خروجی آزمون رگرسیون چندگانه عوامل مؤثر بر تبیین میزان گرایش به مشارکت سیاسی

گام به گام	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای برآورد	ضریب رگرسیون	خطای برآورد	ضریب بتا	سطح معناداری
اعتماد	۰/۳۹۶	۰/۱۵۶	۰/۱۵۳	۰/۶۴۹	۰/۲۸۱	۰/۰۷۲	۰/۲۹۶	۰/۰۰۰
جامعه‌پذیری سیاسی	۰/۳۷۸	۰/۱۴۳	۰/۱۳۲	۰/۶۳۱	۰/۲۴۰	۰/۰۷۵	۰/۲۳۵	۰/۰۰۲
احساس امنیت	۰/۱۹۹	۰/۰۳۸	۰/۰۳۲	۰/۶۱۱	۰/۲۳۹۰	۰/۰۶۵	۰/۲۲۵	۰/۰۰۴

جدول ۱۰. توزیع تأثیر مستقیم و غیرمستقیم عامل‌های پژوهش و آزمون تجربی مدل پژوهش

متغیر	نوع اثر	
	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم
اعتماد (سیاسی و به نفس)	۰/۳۹۶	
جامعه‌پذیری سیاسی	۰/۲۳۵	۰/۰۹
احساس امنیت	۰/۱۹۹	۰/۰۸
جمع	۸۲	۱/۷

جداول شماره ۹ و ۱۰ و شکل شماره ۱ نشان می‌دهند که هر ۳ مؤلفه/ متغیرهای علی (جامعه‌پذیری سیاسی) و احساس امنیت به‌عنوان متغیر زمینه‌ای و اعتماد (اعتماد سیاسی و اعتماد به نفس سیاسی) احساس اثربخشی سیاسی) به‌عنوان متغیر میانجی/ مداخله‌گر به ترتیب بر حسب میزان بتای محاسبه شده و سطح معناداری بر میزان گرایش به مشارکت سیاسی تأثیر مستقیم / غیرمستقیم دارند. در نهایت متغیرهای مستقل/ تبیین‌کننده پژوهش به‌طور مستقیم در حدود ۸۲ درصد و غیرمستقیم در حدود ۱/۷ درصد و در مجموع حدود ۸۴ درصد واریانس متغیر وابسته/ تبیین‌شونده پژوهش را تبیین می‌کنند که بسیار قابل توجه است.



شکل ۱. مدل مفهومی تجربی پژوهش: میزان گرایش به مشارکت سیاسی و عوامل مؤثر بر آن (پژوهشگران)

نتیجه گیری و پیشنهادها

براساس اینکه مشارکت و به‌طور خاص مشارکت سیاسی و به‌ویژه در کشورهای که دغدغه دموکراسی را دارند، یک مسئله مهم و فراگیر جهانی می‌باشد، پژوهش‌های مستمر، مکرر، متعدد بین‌رشته‌ای از سوی پژوهش‌گران انجام می‌گیرد و متناسب با یافته‌های پژوهشی، توصیه‌های سیاستی، کاربست‌های راهبردی اجرایی و دانشی پیشنهاد می‌شود. در نوشتار حاضر هم پس از یادآوری و مرور موجز برخی یافته‌های مرتبط، تلاش می‌شود تا پس از نتیجه‌گیری، پیشنهادهای مزبور ارائه شود.

باتوجه به تعاریف مفهومی و گزاره‌های نظری صاحب‌نظرانی چون: میلیراث، باتومور، هانتینگتون، نلسون و سایر نظریه‌پردازان، مشارکت سیاسی درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی شامل؛ تماس بامسئولین و مقامات دولتی درباره مشکلات، تلاش برای متقاعد کردن افراد به‌رأی دادن، شرکت در انتخابات محلی یا ملی و... است که روند تصمیم‌گیری‌ها و خط‌مشی‌های مربوط به جامعه و سیاست را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از طرف دیگر بر اساس نظریه‌ها و گزاره‌های نظری صاحب‌نظران جامعه‌شناسی سیاسی و به‌ویژه آلبرت

۱. در پژوهش‌های قیاس پایه، فرض‌های پژوهشی برآمده از دل چارچوب نظری در قالب روش کمی مانند پیمایش؛ سنجش، آزمون و با تأیید/ رد فرضیه‌های پژوهشی، یافته‌های تازه حاصل می‌شود. نتایج و یافته‌های تبیینی حاصل فرض آزمایشی پژوهش در بستر گزاره‌های نظری، بایافته‌های پژوهشی هم‌سوی سایر پژوهشگران - که در بخش ادبیات تجربی پژوهش مرور شدند- مقایسه و در پیرامون‌اش بحث می‌شود و سپس براساس یافته‌های پژوهش، در دو قسمت دانشی و کاربردی، پیشنهادهای مطرح می‌گردد.

بندورا، اعتماد سیاسی فرایندی مرکب از اعتماد به دولت و اعتماد به نفس سیاسی است و میزان کنش جمعی مشارکت سیاسی شهروندان تابع ترکیب متناسب آن‌ها است. ترکیب این دو نوع اعتماد، پی‌آمدهای ازبی‌تفاوتی سیاسی تا اعتراض سیاسی را نشان می‌دهد؛ اما کارآمدترین ترکیب زمانی است که هر دو اعتماد یعنی اعتماد سیاسی و اعتماد به نفس توانمند وجود داشته باشد تا میل و عمل مشارکت سیاسی از نوع اصیل، پایین به بالا و دموکرات پایه حاصل شود.

در پژوهش حاضر و بر اساس تعاریف و گزاره‌های نظری مزبور؛ تمایل دانشجویان به مشارکت سیاسی اصیل، سخت و از پایین به بالا، با میانگین ۱/۶ کم است و مقدار مشارکت مقلدانه دارای میانگین بیشتری است که نشانگر مشارکت از نوع تشریفاتی و ابزاری هست. این وضعیت نشان‌دهنده آن است که نمونه‌های پژوهشی/ دانشجویان هر دو اعتماد را در سطح کم دارا می‌باشند. پس نتیجه‌گیری می‌شود؛ عوامل و به‌ویژه نظام اجتماعی‌کننده و جامعه‌پذیر سیاسی هویت‌ساز، مانند؛ خانواده، رسانه‌ها و به‌ویژه نظام آموزش توانستند، در یک فرایند اثربخش؛ اعتماد به نفس را در فرزندان ایران درونی/ نهادی کرده و هویت، شخصیت و منش ملی برای دانشجویان بر ساخت کنند. چراکه، به تعبیر خجسته و همکاران (۱۴۰۱) هویت ملی از طریق آموزش و پرورش بازسازی، بر ساخت و تحریک می‌شود. و همچنین محیط‌های سیاسی (کارگزاران سیاسی، نهادهای سیاسی، احزاب و غیره) هم نتوانستند اعتماد سیاسی ایجاد کنند. از این رو، در فقدان این دو اعتماد، میل به کنش جمعی مشارکت سیاسی در نزد دانشجویان در سطح خیلی کم‌تر است و نظام سیاسی باید نگران هردو وضعیت مزبور باشد و برای آن چاره‌اندیشی کند. در بستر گزاره‌های نظری هانتینگتون و نلسون و بر اساس یافته‌های پژوهش، دانشجویان مورد پژوهش به باور و انگاره گذر مسالمت‌آمیز قدرت و چرخش نخبگانی در جامعه و نظام سیاسی نرسیدند و احساس می‌کنند بیشتر یک ابزار سیاسی هستند تا یک عامل سیاسی و مشارکت سیاسی آنان به یک هدف متعالی مشارکتی که تحقق دموکراسی واقعی است معطوف نمی‌شود، از این رو، میل کم‌تری به مشارکت دارند، اما گلابدیا توره‌های سیاسی این‌گونه نیستند آنان با توجه به اعتماد به نفس کم‌تر ولی با اعتماد سیاسی بیشتر، در فرایند مشارکت دستوری و ابزاری سهم بیشتری ایفا می‌کنند.

درنیل به هدف دیگر پژوهش حاضر و به‌ویژه پرسش اساسی آن که قصد سنجش و کشف زنجیره علل تمایل کم/ بیش مشارکت سیاسی دانشجویان را دارد و می‌خواهد به این پرسش پاسخ دهد که چرا؟ و چگونه؟ میل به عمل مشارکت سیاسی دانشجویان کم یا زیاد می‌شود، نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهشی که با رویکرد سنجش انسجام

و همبستگی گویه‌های عامل اعتماد (اعتماد سیاسی و اعتماد به نفس سیاسی/ احساس اثربخشی سیاسی) انجام شده است، نشان می‌دهد، متغیرهای اعتماد، تبیین‌کننده میزان گرایش دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان به مشارکت سیاسی هستند. از این رو، یافته‌های پژوهش حاضر در بستر گزاره‌های نظری آلبرت بندورا با یافته‌های پژوهشی برخی پژوهشگران هم‌سو است. از جمله؛ مهاجری و همکاران (۱۴۰۲) در مورد عوامل مؤثر بر میزان گرایش به مشارکت سیاسی دانشجویان، شهر کرج/ البرز و رابطه معناداری سطح بی‌اعتمادی/ بیگانگی سیاسی دانشجویان با میزان مشارکت سیاسی آنان و همچنین حسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) در بیدگل ویران، رابطه معناداری احساس اثربخشی سیاسی و کارایی/ اعتماد به نفس دانشجویان دانشگاه تهران با میزان گرایش به مشارکت سیاسی، شریفی و همکاران (۱۳۹۲) رابطه معنادار میزان بیگانگی سیاسی و اعتماد سیاسی دانشجویان بوکان با میزان گرایش به مشارکت سیاسی و همچنین آلسینا و گیولیانو (۲۰۱۱) در مورد رابطه معنادار فرایند جامعه‌پذیر نارس و ناقص خانواده و میزان اعتماد به نفس سیاسی کم با میزان مشارکت سیاسی که همگی در پیرامون و نزدیک به پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهشی پژوهش حاضر بودند، هم‌سویه‌گی دارد.

بررسی مقایسه و تطبیقی یافته‌های پژوهشی پژوهش حاضر با نتایج و یافته‌های سایر پژوهش مشابه و هم‌سو نشان می‌دهد، در فرایند جامعه‌پذیر دانشجویان جامعه آماری نه تنها اعتماد در ابعاد اعتماد به نفس و اعتماد سیاسی کم‌رنگ بوده بلکه جامعه‌پذیری سیاسی هم در یک پهنه و بستر امن پایه انجام نگرفته تا با مزدوج شدن اعتماد سیاسی با اعتماد به نفس که محصول تربیت و فرایند جامعه‌پذیری نظام‌های اجتماعی‌کننده است، دانشجویان احساس اثربخشی سیاسی کرده و در نتیجه به مشارکت سیاسی متمایل شوند. پیش‌بینی می‌شود، اگر محیط‌های سیاسی کشور (نظام سیاسی و کارگزاران سیاسی) به وضعیت منوال و جاری ادامه داده و اعتماد سیاسی را به جامعه برنگردانند و از طرف دیگر نظام و شیوه‌های تربیت و آموزش سیاسی تغییر نکند و سمت و سوی خود را به طرف خلق راهبردی و ایجاد عملی اعتماد به نفس برنامه‌ریزی ننماید، میل به مشارکت سیاسی نه تنها پایین‌تر خواهد آمد، بلکه تغییرات مثبت هم در فرایند اعتراض و مخالفت‌ها حاصل نخواهد شد. چون اعتراض و مخالفت سودمند و متمایل به مشارکت سیاسی واقعی و اصیل زمانی رخ خواهد داد که اعتماد به نفس یا اثربخشی سیاسی در نزد دانشجویان نهادی شده باشد. به تعبیر باتامور، پیش شرط مشارکت سیاسی باورمندی به انتقال قاعده‌مند قدرت بوده و اینکه دانشجویان باورمند شوند که سهم مؤثری در خلق سیاست‌ها و سیاست‌گذاری داشته و در همه ابعاد/ گونه‌های مشارکت سیاسی، می‌توانند

مفید باشند و به اهداف سیاسی کمک کنند. تحلیل یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نمی‌توان بدون اتکا و پشتیبانی مشارکت اصیل، از پایین به بالا و دموکرات پایه مسائل و مشکلات سیاسی و... را گره‌گشایی و حل نمود. از این رو، راهبردهای سیاستی نظام سیاسی باید؛ از یک طرف، تغییر راهبردها در حوزه تربیت و جامعه‌پذیری اجتماعی، جامعه‌پذیری سیاسی باهدف ایجاد اعتماد به نفس سیاسی باشد که به نظر امینی (۱۴۰۱) از مسئولیت‌های خطیر نظام آموزشی در سیاست‌گذاری هویت‌بخش شهروندان برای تربیت فردی و اجتماعی برای ایفای نقش شهروندی است و از طرف دیگر محیط‌های سیاسی را برای بازگشت اعتماد سیاسی باید امن و مطمئن ساخت. توصیه و پیشنهاد می‌شود؛ ضمن تحول در نظام آموزشی باهدف روزآمد کردن آن که متناسب با واقعیت‌های جامعه و کشور بوده و هویت‌ساز ملی است از یک طرف اعتماد به نفس شهروندان را افزایش داد و از طرف دیگر با تغییر در نگرش کارگزاران سیاسی و تحول در محیط‌های سیاسی، هرچه سریع‌تر اعتماد سیاسی را در نزد شهروندان و به‌ویژه دانشجویان افزایش داد. از این رو، تأکید می‌شود با رویکرد سیاست‌گذاری عمومی در حوزه مشارکت و به‌ویژه مشارکت سیاسی و در تدوین سیاست‌های راهبردی نظام سیاسی کشور از یک طرف و نظام آموزش عالی کشور از طرف دیگر؛

الف) نظام‌های اجتماعی‌کننده سیاسی را بر اساس نظر بوردیویی به سمت خلق یک منش ملی ساختارپذیر و ساختار بخش سیاسی بازطراحی نمود تا توان توسعه سیاسی را افزایش دهد و عملیاتی سازد؛

ب) ضریب امنیت اجتماعی و به‌ویژه امنیت دانشی را در نظام دانشگاهی افزایش داد و برای آن تضمین‌های لازم سیاسی را ایجاد نمود. تقویت و توسعه کمی و کیفی کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌ها از دیگر توصیه‌های کاربستی سیاستی است که می‌بایست فرایند آن تقویت شود؛

ج) ایجاد و توسعه احزاب سیاسی واقعی (نه دولت و... ساز) با بهره‌مندی از توان منابع انسانی دانشگاهی و دانش پایه از مهم‌ترین و مؤثرترین سیاست‌های راهبردی در توسعه جامعه‌پذیری سیاسی مؤثر است؛

د) افزایش اعتماد سیاسی با قبول تکثر/ چندصدایی در جامعه با پیشسازی نظام دانشگاهی که بتواند مشارکت سیاسی اصیل، نجیب و دموکرات پایه را تقویت نماید.

ه) توسعه فرایند تخریب خلاقانه فروریخت مشارکت کاذب/ شبه مشارکتی با پیشسازی نظام دانشگاهی با ایجاد سپهر امن ساز اندیشه که دیوار بلند بی‌اعتمادی دانش و اجرا را باروی کرد مستمر پژوهش‌های علمی و کاربستی فرومی‌ریزد.

منابع و مأخذ

- آذرنگ، ندا و طالبان، محمدرضا (۱۳۹۶). بررسی رابطه طرد اجتماعی ذهنی با مشارکت سیاسی جوانان نسل سوم انقلاب اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش‌گده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- آلموند، گابریل (۱۳۷۶). چارچوبی برای سیاست تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- امینی، محمد (۱۴۰۱). سیاست‌گذاری هویت در نظام آموزشی کشور و توصیه‌های سیاستی آن، فصلنامه مطالعات راهبردی فرهنگ، ۲(۴)، ۹-۲۸. <https://doi.org/10.22083/scsj.2023.387927.1098>
- باتامور، تام (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات شب تاب.
- بندورا، آلبرت (۱۳۹۲). نظریه یادگیری، ترجمه فرهاد ماهر، تهران: انتشارات راهگشا.
- جوج، مرتضی و گله دار، مجید (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی شهروندان تهران. فصلنامه مطالعات انتخابات، ۱(۲)، ۵۴-۷۸.
- حسن‌زاده، کبری، مهاجری، اصغر، رادفر، مجید (۱۴۰۲). بررسی عوامل مؤثر بر بیگانگی سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های البرز/کرج (رساله منتشرشده جامعه‌شناسی سیاسی). دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
- حسن‌زاده، زهرا و نیازی، محسن (۱۳۹۵). تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان شهرستان کاشان و آران و بیدگل (پایان‌نامه منتشرشده جامعه‌شناسی کارشناسی ارشد). دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پردیس کاشان، کاشان، ایران.
- خجسته، فردوس، عصاره علی‌رضا، حاجیانی، ابراهیم و عراقیه، علی‌رضا (۱۴۰۱). آینده‌پژوهی هویت ملی در نظام آموزشی ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی فرهنگ، ۶(۲)، ۹-۲۸. <https://doi.org/10.22083/scsj.2022.360976.1066>
- دال، رابرت (۱۳۹۴). تجزیه و تحلیل سیاست، ترجمه حسین مظفریان، تهران: نشر مترجم.
- شریفی، خسرو، خسروی، جمال و ملکی، امیر (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های بوکان، پایان‌نامه منتشرشده کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران.
- ربیعی، خسرو و خسروی، جمال (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های بوکان (پایان‌نامه منتشرشده کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران غرب، تهران، ایران).
- خانباشی محمد و زاهدی، شمس السادات (۱۳۹۰). از اعتماد عمومی تا اعتماد سیاسی (پژوهشی پیرامون رابطه اعتماد عمومی و اعتماد سیاسی در ایران). مجله پژوهش‌های مدیریت در ایران (مدرس علوم انسانی)، ۱۵(۳)، ۶۵-۸۷.
- غفاری، غلامرضا، نیازی، محسن (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مشارکت. تهران: انتشارات نزدیک.
- غفاری، زاهد و بیگ‌نیا، عبدالرضا (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران. فصلنامه دانش سیاسی، ۱(۲)، ۳۴-۵۲. [PK.2011.14/10.30497](https://doi.org/10.22083/scsj.2021.14.30497)

غفاری هاشجین، زاهد، مهدی عبدالهی ضیاءالدینی، علی مرشدی زاد؛ عباس کشاورز شکری (۱۳۹۸). الگو و فرایند کش‌های سیاسی قومی در ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۲ (۸۶)، ۷-۳۰.

20.1001.1.17350727.1398.22.86.1.9

فیروزجائیان، علی اصغر و جهانگیری، جهانگیر (۱۳۸۷). تحلیل جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه تهران، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ۲ (۳)، ۲۴-۴۵.

محمدی، افشین، شهیدیان، احمد (۱۳۹۹). بررسی راهکارهای افزایش مشارکت سیاسی دانشجویان با تأکید بر شناسایی روابط میان فردی مؤثر در شبکه اجتماعی، مجله مطالعات رسانه‌ای، ۸۰ (۳)، ۳۲-۵۶.

محمدی، مقداًد و رئوفی، محمود (۱۳۹۹). احساس عدالت و رابطه آن با مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه هرمزگان (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی). دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، هرمزگان، ایران.

مسعودنیا، حسین، محمدی فر، نجات، مرادی، گل‌مراد، فروغی، عاطفه (۱۳۹۰). بررسی عوامل اجتماعی- روان‌شناختی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی استادان دانشگاه اصفهان، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۳ (۴)، ۱۰۳-۱۲۴.

مهاجری، اصغر، ساعی فر، محمد، امیرمظاهری، امیرمسعود و محکی، علی‌اصغر (۱۴۰۰). بررسی تعارض ارزشی و برساخت‌هویت‌سیاسی در شیوه‌های جامعه‌پذیری سیاسی، فصلنامه سپهر سیاست، ۲۹ (۲)، ۸۸-۱۱۶.

10.30510/PSI.2022.263141.1402

مهاجری، اصغر، ملک‌محمدی، فاطمه و نوابخش، مهرداد (۱۴۰۲). از چاله به چاه (نگاه تطبیقی و تلفیق‌گرا از منظر جامعه‌شناسی معاصر به مسئله‌های بنیادی فقر مضاعف و کیفیت زندگی در شهر تهران)، دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۱۲ (۲۳)، ۱۶۹-۲۱۲. DOI: 10.22084/CSR.2023.27907.2207

میرزایی، خلیل، مهاجری، اصغر و زارعی، احمد (۱۳۹۸). بررسی رابطه خودپنداره و مشارکت سیاسی زنان، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۹ (۷۴)، ۱۰۸-۱۳۳. 20.1001.1.17358191.1398.19.74.5.0

میلبرات، لستر و گوئل، لیل (۱۳۸۶). مشارکت سیاسی، ترجمه سید رحیم ابوالحسنی، تهران: نشر میزان.

هان‌تینگتون، ساموئل (۱۳۷۹). درک توسعه سیاسی. تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.

Azarang, N, Taleban, M.(2017). Examining the relationship between subjective social exclusion and political participation of the third generation youth of Iran's Islamic Revolution, Master's thesis of Imam Khomeini Research Institute and Islamic Revolution. [In Persian]

Àmini, M.(2022). Identity politics in the education system to the country and its policy recommendations, *Quarterly Journal of strategic studies of culture*, 2(4) 9-28. [In Persian]

- Bendura, A (2021). Haggbloom SJ. The 100 Most Eminent Psychologists of the Twentieth Century. PsycEXTRA Dataset. 2001. doi:10.1037/e413802005-787. [In Persian]

Batamour, T.(2015). *Political sociology*. Translated by; Sabouri, M. Tehran; Shabtab publication. [In Persian]

Bendora, A.(2013). *Learning theory*. Translated by Maher, F. Tehran; Rahghosha publication. [In Persian]

- Dal, R.(2015). *Policy analysis*. Translated by Mozaffarian, H.Tehran; Motarjem publication. **[In Persian]**
- Dahl, R (1991) *Democracy and Its Critics*. Yale University Press. **[In Persian]**
- Firouzjaian, A & Jahangiri, J (1998). Sociological analysis of political participation of Tehran University students, *Journal of Social Sciences of Ferdowsi University of Mashhad School of Literature and Humanities*, (3)2, 24-45. **[In Persian]**
- Gabril, A (1997). *A framework for compararive politics*. Translated by; Tayeb. A. Tehran. Public administration training center. **[In Persian]**
- Ghafari, Gh, Niazi, M.(1997). *Sociology of participation*, Tehran: Nezdeek Publications. **[In Persian]**.
- Ghaffari, Z & Beygnia, A.(2015). Factors affecting the political participation of students of political and technical sciences of Tehran University, *Political Science Quarterly*, No. 1 (2) 34-52.,**[In Persian]**.
- Ghafari, H. Zahid, M. Abdulahi, Z. Morshidizad; A. Keshavarz Shukri, A (2019). Pattern and process of ethnic political actions in Iran, *Strategic Studies Quarterly*, March 2018, 22(86),7-30. **[In Persian]**.
- Huntington, S. (1990). *Understanding Political Development*, Tehran: Research School of Strategic Studies. **[In Persian]**
- Hassanzadeh, K. Mohajeri, A.Radfar,M. (2023). Investigation of the factors affecting political alienation of Alborz university students/Karaj Political Sociology Doctoral Dissertation: Islamic Azad university, Central Tehran Branch, Faculty of social sciences, communication and media. **[In Persian]**.
- Hassanzadeh, Z & Niazi, M. (2016). Explanation of the social and cultural factors affecting the political participation of the citizens of Kashan and Aran and Bidgol, Master's thesis of Pardes University of Kashan. **[In Persian]**.
- Joj, M & Galledar, M.(2016). The factors effect on political participation of Tehran citizens. *Election studies quarterly*, /first year/number 2. **[In Persian]**
- Joj, M & Galledar, M.(2016). The factors effect on political participation of Teran citizens. *Election studies quarterly*, /first year/number 2. (2)1 ,78-54 **[In Persian]**
- Khojasteh, F. Osareh, A. Hajjanie, E & Araghieh, S.(2022). The research future of national identity in Iran's educational system, *strategic studies of cultural quarterly*, second year, number 2, serial number 6, pages: (2) 6,9-28. **[In Persian]**
- Khanbashi, M & Zahedi, Sh.(2011). From public trust to political trust (research on the relationship between public trust and political trust in Iran). *Journal of Management Research in Iran (Humanities Lecturer)*,15 (3),65-87. **[In Persian]**
- Lipset, S. M (1960). *Political Man*. United States' Doubleday& Company.
- Levin, M(2015). *Political Alienation in man Alone*, by Josephson, E and Josephson, M. N. y. Mcgrow Hill
- Mohammadi, A, Shahidian, A.(2020). Investigating strategies to increase students' political participation with an emphasis on identifying effective interpersonal relationships in social networks, *Journal of Media Studies*, 6th year, No. (3)80, 32-56. **[In Persian]**

- Mohammadi, M & Reofi, M.(2020). The sense of justice and its relationship with the political participation of Hormozgan University students, (2015), Master's thesis: Hormozgan University, Faculty of Humanities. **[In Persian]**
- Masoud Nia, H. Mohammadifar, Nejat, Moradi, Golmarad, Foroghi, A. (2011). Investigating socio-psychological factors affecting the level of political participation of Isfahan University professors, *Journal of Applied Sociology*, 23rd Year, Number, 23 (4), 103-124. **[In Persian]**
- Michael G. R.(1988). *Political science*. Anitroduction prentice
- Mand D.(1941). *Social learning and imitation*. New whaven: Yale. University press
- Mohajeri, A. Saeefer, M. Amir Mozaheri, A& Mohaki, A. (2021). Investigating value conflict and political identity construction in political socialization methods, *Sepehr Policy Quarterly*, Year 8, Number 29, (2)29, 88-116. **[In Persian]**
- Mohajeri, A. Malekmohammadi, F & Navabakhsh, M. (2023). From the hole to the well (a comparative and integrative view from the perspective of contemporary sociology to the fundamental issues of double poverty and quality of life in Tehran), *two quarterly journals of contemporary sociological research*, year 12, number 23, (23) 12, 169-212. CSR 2023.27907.2207:) Doi / 10.22084 **[In Persian]**
- Mirzaei, Kh. Mohajeri, A & Zarei, A.(2019). Investigating the relationship between women's self-concept and political participation, *Social Welfare Quarterly*, 19th year, autumn 2018, number 74,19 [(74), 108-133. **[In Persian]**
- Milbrath, L & Goell, L.(1998). *Political participation*, translated by Seyyed Rahim Abolhasani, Tehran: Mizan publishing. **[In Persian]**
- Millbrath, L.(1981), *Political participation*, Hand book of political behaviors, vol. 4, (ed), s. long, (New York: plenum press).
- Rabiei, Kh & Khosravi, J.(2012). investigation of factors affecting the political participation of students of Bukan universities. Master's Thesis of Payam Noor University, West Tehran. **[In Persian]**
- Sharifi, kh. Khosravi, J. Maleki, A. (2012). Investigating the effective factors on the political participation of students of Bukan universities. Master's Thesis of Payam Noor University, Sociology. **[In Persian]**